

دومینو

(برگزیده افکار تربیتے بزرگان تعلیم و تربیت)

گردآوری و تدوین:

سید یوسف ساداتی

عماد روشن قیاس



پاییز، ۱۴۰۰

سرشناسه : ساداتی، سیدیوسف، ۱۳۷۴ -
عنوان و نام پدیدآور : دومینو: برگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت / گردآوری و تدوین: سیدیوسف ساداتی، عماد روشن‌قیاس.
مشخصات نشر : تهران: بوی کاغذ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : 978-622-6070-42-3
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : آموزش و پرورش - فلسفه
موضوع : Education -- Philosophy
شناسه افزوده : روشن‌قیاس، عماد، ۱۳۶۷ -
رده بندی کنگره : PNC۰۹۵
رده بندی دیویی : ۸۰۸/۸۸۲
شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۶۸۵۶۲

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر شمالی، کوچه مجد، شماره ۵،

واحد یک غربی، کدپستی: ۱۴۱۸۹۴۵۸۵۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۴۹۱ تلفن همراه: ۰۹۲۱۲۵۷۶۵۹۳

رایانامه: info@booka.ir | تارنما: www.booka.ir



دومینو

(بگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت)

گردآوری و تدوین:

سیدیوسف ساداتی و عماد روشن‌قیاس

چاپ: اول، ۱۴۰۰ مدیر تولید: احمد رضانی چاپ و صحافی: هنگام

تیراژ: ۵۰۰ نسخه شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۷۰-۴۲-۳

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

تقدیم به:

معلنان سراسر این مرز و بوم که در راه تعلیم و تربیت فرزندان این آب و خاک، صداقتاً تلاش می‌کنند.

به راستی آیا کلامی هست که تاب‌شای ایشا نشانایان را بیاورد؟

کدامین روز، روز تو نیست و کدامین نخله است که از شمیم تو عطر آگین نباشد؟

به راستی آیا قلمی رامی‌شناسید که با کلمبِ خیال‌شکوه ایشا خاموش معلم را که در بستر رویش‌های مکرر آدمی و

در کسره تاریخ مکتوب بشریت بهره‌چون گلینی زرین درخشیده است، به تصویر آورد؟

www.bozorgi.ir

فهرست مطالب

۷.....	پیش‌گفتار
۱۰.....	سقراط
۱۳.....	افلاطون
۱۹.....	ارسطو
۲۴.....	فرانسیس بیکن
۲۸.....	رنه دکارت
۳۰.....	ژان آموس کمنیوس
۳۷.....	جان لاک
۴۴.....	ژان ژاک روسو
۵۴.....	ایمانوئل کانت
۶۱.....	یوهان هاینریش پستالوزی
۶۷.....	یوهان فریدریش هربارت
۷۳.....	فریدریش فروبل
۷۷.....	جان دیویی
۸۶.....	ماریا مونته‌سوری
۹۱.....	برتراند راسل
۹۸.....	سایر اندیشمندان تعلیم و تربیت
۱۰۸.....	نمایه نام‌ها

پیش‌گفتار

«در بین ابداعات بشر دو مورد از ملاتی مشکل‌تر است: هنر حکمت‌داری و هنر تعلیم و تربیت»

اما نازل کانت

تعلیم و تربیت بزرگترین و دشوارترین مسئله‌ای است که انسان همواره با آن درگیر است و هر روز پنجره‌های جدید از آن گشوده می‌شود. در بیان اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که تحقق گوهر آدمی و توسعهٔ جامعه منوط بدان است. اهمیت این موضوع نویسندگان را به این پرسش سوق داد که به راستی تعلیم و تربیت و یا به بیان دیگر، آموزش و پرورش از کجا و توسط چه کسی آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته است؟ در این حوزه، کتاب‌های پرحجم و فراوانی تألیف و به چاپ رسیده است. در گردآوری این اثر سعی بر آن بوده است تا کتابی کم‌حجم و کاربردی از برگزیدهٔ افکار بزرگان تعلیم و تربیت را بر مبنای سیر تاریخی تهیه گردد تا معلمان شریف و علاقه‌مندان به تعلیم و تربیت در زمانی کوتاه با اهداف والای آموزش و پرورش آشنا نمایند.

برای معلمانی که می‌خواهند در شغل خویش به تبحر و کفایت دست یابند توجه صرف به امور و جزئیات روزمره راهگشا نخواهد بود. هر معلمی می‌داند که آموزش و پرورش ابزار نیرومندی برای شکل بخشیدن به زندگانی فردی و نظام اجتماعی است. هنگامی که معلم دربارهٔ نقش خویش به تأمل می‌پردازد، نظریاتی که قوام و دوام عمل تربیت بدان وابسته است را مورد تفکر و بررسی قرار می‌دهد. از آنجا که تدریس فعالیتی اخلاقی است مستلزم تلفیق دقیق نظریه و

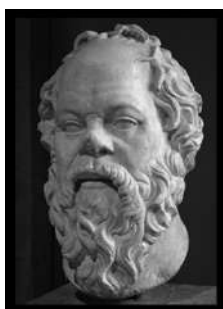
عمل است. نظریه بدون عمل ناکافی است و عملی که از هدایت نظریه بی‌بهره باشد راه به جایی نمی‌برد. نحوه برخورد معلم با دانش‌آموز به تصور وی از ماهیت انسان، آموزش و پرورش و چستی تربیت بستگی دارد. در واقع، هر زمان که معلم ماهیت انسان و جامعه و تعلیم را مورد تأمل قرار می‌دهد، درباره آموزش و پرورش فیلسوفانه می‌اندیشد.

متأسفانه شاهد هستیم که در کلاس‌های درس عمدتاً به موضوعات مهمی چون استعداد، بازی، تفاوت‌های فردی و نظایر آن توجه نمی‌شود، حال آنکه ۴۲۷ سال پیش از میلاد مسیح این موضوعات توسط افلاطون و اندیشمندان بعد از او مطرح و مورد مطالعه قرار داشته و امروزه گاهی از آن غفلت می‌شود. به منظور اینکه چارچوبی برای این ژرف‌اندیشی فراهم آید، سعی نموده‌ایم در این کتاب گزیده‌ای از نظریه‌ها، ایده‌ها و افکار بزرگان تعلیم و تربیت را جمع‌آوری کنیم. در طول تاریخ تعلیم و تربیت، بسیاری از صاحب‌نظران بزرگ با ارائه نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند خود، تعلیم و تربیت جهان را تحت تأثیر قرار داده و منشأ تحولاتی شگرف در آن شده‌اند. از این‌رو، آشنایی معلمان و مربیان با دیدگاه‌ها و نظرات چنین اندیشمندانی ضروری است که افکارشان در شکل‌گیری تعلیم و تربیت جدید در نقاط مختلف جهان مؤثر بوده است. مکاتب فکری که در طول تاریخ زندگی بشر از افکار فیلسوفان بزرگی چون سقراط و افلاطون ریشه گرفتند خط‌مشی بسیاری از مسائل امروزی زندگی به شمار می‌روند.

هدف از انتشار اثر و آشنایی با نظرات ارزشمند اندیشمندان تعلیم و تربیت آن است که گامی هرچند کوچک اما مؤثر در جنبه‌های مختلف آموزش از جمله بهبود نگرش، برنامه‌ریزی، روش تدریس، محتوای کتاب و شیوه مدیریت برداشته شود. در اثر پیش‌رو، پس از معرفی مختصری از زندگی اندیشمندان بزرگ تعلیم و تربیت، گزیده افکار تربیتی آنان ارائه می‌شود. به منظور گردآوری هرچه بهتر کتاب در توجه به سیر تاریخی تعلیم و تربیت و توصیف مختصر زندگی‌نامه، افکار و شیوه‌های تربیتی اندیشمندان این حوزه، از مقاله‌های چاپ شده در

مجله‌های معتبر و از کتاب‌هایی چون «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش»، اثر میرعبدالحسین نقیب‌زاده جلالی، «مبانی و اصول آموزش و پرورش» اثر علی تقی‌پور ظهیر و «مکاتب فلسفی و آراء تربیتی» نوشته جerald لی گوتک^۱ با ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت بهره گرفته شده است. دلیل اصلی تدوین این اثر آن است که سالانه هزاران معلم جوان از مسیر دانشگاه فرهنگیان یا به شیوه‌های دیگر به شغل شریف معلمی می‌پیوندند تا در آموزش و تربیت میلیون‌ها دانش‌آموز یاری نمایند. امید داریم مطالعه این کتاب تلنگر مفیدی باشد تا نگاهی تخصصی‌تر به مسئله تربیت، آموزش و پرورش، مدرسه، معلم و دانش‌آموز معطوف شود.

سقراط



(۴۷۰-۳۷۰ ق.م)

سقراط^۱ در سال ۴۷۰ پیش از میلاد در آتن به دنیا آمد. پدرش سنگ‌تراش و مادرش ماما بود. در آغاز زندگانی، حرفه پدری را دنبال کرد ولی به زودی از آن دست کشید و به تحصیل روی آورد. پس از آشنایی با اندیشه‌های فیلسوفان طبیعت و شاعران و همچنین روش سوفیست‌ها^۲، از آنجا که از هیچ یک خشنود نگردید، به تأمل پرداخت و از هنگامی که راه خود را بازشناخت تمام زندگانی خویش را در راه بیدار کردن همشهریانش نهاد و آنان را به جست‌وجوی دانش و فضیلت برانگیخت و سرانجام در سال ۳۹۹ به تهمت بی‌دینی و گمراه کردن جوانان، به مرگ محکوم و کشته شد. تأثیر شگفت‌انگیز سقراط را باید بیش از هر چیز در چنین شخصیت نیرومند او یافت. زیرا بی‌آنکه دعوای دانایی کند، کتابی بنویسد و نظریه‌ای پدید آورد؛ تنها از راه گفت‌وگو با هم‌نشینان خود، آنان را دگرگون کرده و به طلب دانش و فضیلت برمی‌انگیخت. اما سقراط با آنکه به

1. Socrates

۲. sophists: (سوفسطائیان) در نظر افلاطون سوفیست کسی است که دانش و خرد خود را برای مقدار کمی پول می‌فروشد.

سقراط ❖ ۱۱

گفته یاسپرس^۱، به حقیقت ایمان دارد هیچ‌گاه عقیده‌ای را رویاروی دیگران نمی‌گذارد؛ بلکه به سنجش عقیده کسانی که با آنان در گفت‌وگوست، برمی‌آید تا با نشان دادن نادرستی آنها به خودشان، آنان را به اندیشیدن و جست‌وجو برانگیزد. از اینجاست که او خود را «مامای دانایی»^۲ می‌خواند.

او آموزگار بزرگترین فیلسوف، افلاطون است. سقراط هیچ کتابی ننوشت، افلاطون همه کتاب‌های خود را به صورت گفت‌وگوی سقراطی نوشت و بسیاری از اندیشه‌های خود را به زبان سقراطی بیان کرده است. به همین دلیل است که بازشناختن مرز اندیشه‌های آنان به درستی ممکن نیست و افلاطون تقریباً تمامیت اندیشه‌ای خود را از سقراط می‌شمارد. آنچه سقراط را از سایر فیلسوفان، دانیان و آموزگاران متمایز می‌کند این است که او تأثیری دگرگون‌کننده دارد بی‌آنکه چیزی بیاموزد. کار او بیان نظریه و عقیده نیست، بلکه سنجیدن اندیشه‌های دیگران و آشکار کردن نادرستی بسیاری از عقیده‌های رایج و نادقیق بودن مفاهیمی است که بنا به عادت، به کار می‌روند.

برگزیده افکار تربیتی سقراط

- ❖ سقراط در دادگاه: «من دانا نیستم، ولی این را نیز می‌گویم که پی بردن به نادانی خود گونه‌ای از دانایی است.»
- ❖ خطاب به مردم آتن: «خشمی که بر من گرفته‌اید از این روست که شما را از خواب خوش بیدار کردم.»
- ❖ «پرسش‌های موشکافانه فرد یادگیرنده را تحریک می‌کند تا با حصول آگاهی نسبت به مفاهیمی که در ضمیر او نهان است، به کشف حقیقت نائل آید.»
- ❖ «آنچه حقیقت است، خیر و زیباست و در تمام جهان یکسان است.»

^۱ Karl Jaspers: کارل تئودور یاسپرس، روان‌پزشک و فیلسوف آلمانی (۱۸۸۳ – ۱۹۶۹).

2. midwife of ideas

❖ ۱۲ دومینو: برگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت

❖ «مبنای دانش حقیقی، در ذهن فرد وجود دارد و می توان آن را به ضمیر آگاه درآورد.»

❖ «انسان‌ها باید بکوشند تا زندگی‌شان از نظر اخلاقی ممتاز باشد.»

❖ «هدف آموزش و پرورش حقیقی ایجاد معرفتی است که انسان بدان نیازمند است.»

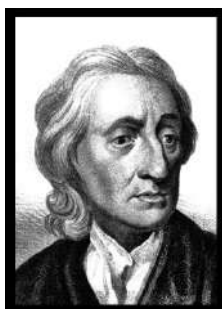
❖ «برای هر انسان آزادی، باید آموزش و پرورش عمومی وجود داشته باشد.»

منابع

گوتک، جرال د لی (۱۳۹۵). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاکسرشت. تهران: سمت.

نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۳). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.

جان لاک



(۱۶۳۲ - ۱۷۰۴)

جان لاک^۱ در سال ۱۶۳۲ در انگلستان به دنیا آمد. تا چهارده سالگی در خانه آموزش دید، سپس به مدرسه و در بیست سالگی به دانشگاه رفت. در بیست و هشت سالگی به تدریس زبان یونانی، بلاغت و فلسفه اخلاق در دانشگاه پرداخت. اما نه به کار آموزش ادامه داد، نه به کارهای گوناگون دولتی که به او سپرده شد؛ و نه کار پزشکی را که در آن آموزش دیده بود پیشه خود ساخت. بخشی از زندگانی او در خدمت و همراهی یک لرد که دوست و مشاور او بود گذشت. فراز و نشیب زندگانی این لرد، در زندگانی لاک نیز مؤثر بود، چنانکه به همراه دوست خود به هلند پناه برد و تا انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان در آنجا ماند. دکارت بر حس و تجربه تأکید داشت، اما نماینده بزرگ استفاده از حس و تجربه در آموزش و پرورش جان لاک است. واقع بینانی لاک، شرایط جامعه و پایبندی او به سنت او را از پرداختن به آرمان‌های کمینوس که برخوردار از آموزش و پرورش را حق هر کودک و وظیفه هر جامعه می‌شمرد،

1. John Locke

❖ ۳۸ دومینو: برگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت

بازداشت. لاک برای کودکان فقیر برپایی «آموزشگاه‌های کار»^۱ را پیشنهاد می‌کند، برنامه‌ایی که خواندن و نوشتن در آن جایی ندارد و صرفاً شامل دوره‌های کارآموزی می‌باشد. او نتوانست همانند کمپبوس به انسان چون انسان بنگرد، شاید تصمیم او ناشی از شرایط حاکم جامعه وی باشد؛ تصمیمی که همچنان در بسیاری از کشورهای فقیر در حال اجرا است و برای آنان سودمند و نگاهی واقع‌گرایانه محسوب می‌شود. لاک در سال ۱۷۰۴ در هفتاد و دو سالگی درگذشت.

لاک را می‌توان به عنوان فردی که اولین ذهن مدرن را داشت، توصیف نمود. این امر به خاطر آن است که او برخی از مسائل مهم در تفکرات پس از قرون وسطی را گردآوری کرد و آنها را در قالب چشم‌اندازی واحد ارائه نمود. بخشی از کلام او به بشریت را می‌توان در قالب این جملات خلاصه کرد: «هرگز بدون تفکر از بزرگان علمی، سیاسی و مذهبی پیروی نکنید. همچنین بدون تفکر از سنت و قراردادهای اجتماعی پیروی نکنید. فکر کنید، مطالعه کنید، به شواهد موجود نگاه کنید و سعی کنید دیدگاه‌ها و رفتارشان را بر پایه اینک مسائل واقعاً چگونه هستند بگذارید.» امروزه شاید برای انسان‌هایی که در جوامع مدنی زندگی می‌کنند تصور این امر سخت باشد که این پیام برای جامعه تاریک زمان لاک تا چه میزان نوین و جدید بوده است. تفکرات لاک تأثیرات انقلابی بر سیستم آموزش و پرورش، دانش، سیاست و حتی فلسفه داشته است. تأثیرگذاری لاک به حدی بوده است که توماس جفرسون نوشته است: «بیکن، لاک و نیوتن بزرگترین انسان‌هایی بوده‌اند که در طول تاریخ زیسته‌اند.»

برگزیده افکار تربیتی لاک

❖ «هدف آموزش نباید انباشتن دانستنی‌ها باشد.»

❖ ۳۹ جان لاک

- ❖ «کودک همانند لوحی است نانوشته. هیچ‌گونه تصور، ایده و بنیانی در آن نیست. با گذشت زمان و دریافت‌های گوناگون حسی است که تصوراتهای گوناگون حسی در آن پدید می‌آید.»
- ❖ «نخستین چیزی که کودک باید بیاموزد این است که نباید به هرآنچه که برای او خوشایند است دست یابد.»
- ❖ «کسی می‌تواند در بزرگی از خرد پیروی کند که در کودکی اطاعت از بزرگتران را آموخته باشد.»
- ❖ «اگر بتوانید میل به محترم شمردن و درک شرم و بی‌حرمتی را در کودک ایجاد کنید، اصلی را بنیاد نهاده‌اید که همیشه مؤثر خواهد بود.»
- ❖ «از زمانی که کودک سخن گفتن آغاز می‌کند، باید انسانی شکیب، هوشیار و خردمند کارهایش را زیر نظر بگیرید.»
- ❖ «در کارها باید برای کودکان دلیل آورد تا رفتار و فرمان مربی خود را از روی خرد بدانند و نه بر پایه هوی و هوس.»
- ❖ «مؤثرترین راه برای تربیت کودکان، تعلیم از روی نمونه‌ها و الگوها و منطبق بر زمینه کردار است و نه گفتار.»
- ❖ «خوبی‌ها و بدی‌هایی که واژه‌ها نمی‌توانند به آنان بیاموزند، کردار آدمیان به آنان خواهد آموخت.»
- ❖ «طبیعت دانه خردمندی را در ما نهاده است. ما با امکان خردمندی زاییده می‌شویم؛ امکانی که تنها در پرتو کوشش و کارورزی واقعیت می‌یابد.»
- ❖ «بازی و سرگرمی را برای فراگرفتن الفبا، و کتاب‌های داستان را برای آموزش خواندن به کار بگیرید.»
- ❖ «با هر شاگرد همچون فردی متمایز از دیگران رفتار شود و روش مناسب برای تعلیم او با کمال دقت تعیین گردد.»
- ❖ «هدف تعلیم و تربیت، خوشبختی و رفاه جامعه است.»

ماریا مونته‌سوری



(۱۸۷۰ - ۱۹۵۲)

ماریا مونته‌سوری^۱ در سال ۱۸۷۰ در خانواده‌ای مرفه در ایتالیا به دنیا آمد. اندکی بعد از دریافت درجه دکترا^۲ پزشکی در سال ۱۸۹۶ مأمور تدریس تحت عنوان «تعلیم و تربیت کودکان کندذهن»^۳ برای معلمان شهر رم شد. مدت دو سال در این شهر مدیریت «مؤسسه تربیت معلم کودکان غیرطبیعی»^۴ را عهده‌دار بود. در سال ۱۹۷۰، او اداره دو «خانه کودک»^۵ را که در ساختمان‌های بزرگ کارگری مخصوص اطفال خانواده‌های کارگران تأسیس شده بود برعهده گرفت و مدت چهل سال از عمر خود را در این شرایط به تدریس، مطالعه، تحقیق و تألیف توأم با تجربه و عمل گذرانید. مونته‌سوری موفقیت خود در تعلیم و تربیت را مرهون علاقه شخصی، تربیت علمی، قدرت مشاهده و قوه استنتاج بوده است. خود او همواره بر این امر تأکید داشت هر آنچه را که شخصاً فهمیده است و تحت عنوان

1. Maria Montessori

2. education for children with intellectual disabilities

۳. Orthophrenic School: مؤسسه پزشکی و آموزشی برای آموزش معلمان در تربیت کودکان دارای

معلولیت ذهنی که به آزمایشگاه کلاسی مجهز بود.

4. Children's House

اصول و قواعد تعلیم و تربیت اطفال برای دیگران توضیح داده است خود کودکان به وی آموخته‌اند. او همواره تلاش کرد تا علم روان‌شناسی را در جریان تربیت و آموزش به کار بگیرد.

این مربی ایتالیایی سعی داشت به طور غیرمستقیم در فعالیت‌های کودکان دخالت کند. از یک سو، او با مشاهده کودکان انگیزه‌های درونی آنان را شناسایی کرده و به طور کاملاً طبیعی آنها را در جهتی که صلاح می‌داند هدایت می‌کند؛ و از سوی دیگر، با ضبط عوامل موجود در محیط و ارائه هر محرک در موقع مناسب می‌کوشد این جریان فعالیت را در مسیر مطلوب بیندازد. خانه کودکان مونته‌سوری به لوازم گوناگون و منطبق بر صور مختلف فعالیت مجهز بود. بطوری که کودکان به آسانی می‌توانستند به آنها علاقه‌مند شوند و بدین ترتیب موجبات رشد منظم قدرت‌های ذهنی و جسمی و افزایش مدام اکتشافات شخصی را اخذ کنند.

برگزیده افکار تربیتی سوری

- ❖ «بزرگسالان معمولاً و تقریباً همیشه کودک را طبق دلخواه خود تربیت می‌کنند و این نوعی تجاوز به طبیعت و آزادی است؛ یعنی تخطی از قانون و ارزش‌هایی که فی‌نفسه مقدس هستند.»
- ❖ «آموزش و پرورش باید به اتکای مشاهدات دقیق و مستمر از طبیعت و قوانین رشد کودک الهام بگیرد و خود را از قید هرگونه سبق ذهنی در زمینه متافیزیک و کلیه موانع مربوط به سنت و عادت که عملاً نتیجه‌ای جز اتخاذ تصمیم‌های خودسرانه و بی‌مطالعه ندارد، رها کند.»
- ❖ «ذهن کودک جذاب است، یعنی قدرتی فعال و به معنای واقعی آفریننده دارد که چیزهایی را که برایش لازم و مفیدند به طرف خود بکشد و از آن خود گرداند.»
- ❖ «حرکت، دستکاری و تربیت حواس، استعداد فکری را رشد می‌دهد.»

- ❖ «اشتباه نامشروع بزرگسالان در این است که هرگونه کنجکاوی و تمرکز طفل را در مقابل مسئله‌ای که به خود مشغول داشته است، درک نمی‌کنند؛ مزاحمش می‌شوند، او را با امر و نهی‌های بیمورد که زائیده علائق خودشان است باز می‌دارند.»
- ❖ «مهم آن است که مراقب ظهور مراحل حساس یادگیری باشیم؛ فرارسیدن آنها را مغتنم شماریم و آنچه را که خود کودک برای ارضای آن مناسب تشخیص می‌دهد با سرگرمی‌ها و بازی‌های مختلف در اختیارش قرار دهیم. نگذاریم این قبیل فرصت‌های یادگیری در مراحل رشدی مختلف بدون بهره‌برداری از دست رود. اگر این دوران بگذرد علاقه از دسترس خارج می‌شود و ایجاد دوباره آن میسر نیست.»
- ❖ «مدرسه باید مجموعه‌ای از محرکات مناسب را که از پیش با نیازهای واقعی کودک انطباق یافته‌اند و قادرند برایش مسائل جالبی مطرح کنند شکل گرفته باشد و از این راه امکانات و جذابیت‌هایی به وی عرضه کند.»
- ❖ «مدرسه باید جایی باشد که در آن تمام کودکان سرگرم کاری دقیق و جالب یا دست‌بگریبان مسئله‌ای خاص خودشان باشند.»
- ❖ «شدیدترین تنبیه برای کودک می‌تواند این باشد که او را از دیگران جدا کنند و بیکار و بی‌فایده و بدون اینکه مأموریتی داشته باشد رها کنند؛ استثنائی که به نظر کودکان عجیب و حیرت‌آور و دردناک است.»
- ❖ «هنگامی که کودکان تجارب اولیه مناسب را با استفاده از وسایل حسی کسب کنند به نحو مناسب آماده گذر از مرحله حسی به مرحله درونی کردن اندیشه‌ها می‌شوند.»
- ❖ «کودک از طریق بازی می‌تواند به خطاهای خود پی برده و آن را اصلاح کند.»
- ❖ «تمرین و تجربه باید بخش ضروری و حیاتی در برنامه‌های درسی باشد.»

برتراند راسل



(۱۸۷۲ - ۱۹۷۰)

برتراند راسل^۱ در سال ۱۸۷۲ در ولز^۲ انگلستان در خانواده‌ای که پیشینه کهن اشرافی داشت دیده به جهان گشود. به رسم خانواده‌های اشرافی درس‌های دبستان و دبیرستان را در خانه فراگرفت. در هجده سالگی به دانشگاه کمبریج^۳ رفت و پس از تحصیل ریاضیات و فلسفه در این دانشگاه به تدریس فلسفه پرداخت. در سال ۱۹۱۶ در پی کوشش‌های صلح‌خواهانه و برقراری عدالت در جامعه از کار برکنار شد. در سال ۱۹۳۸ به آمریکا رفت و در دانشگاه‌های آنجا به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۵۰ برنده جایزه نوبل در رشته ادبیات شد. راسل مردی بود آزاده و آزادیخواه با دلی سرشار از محبت و همدردی با آدمیان و رنج‌های آنها. زندگانی او در ۱۹۷۰ در سن نود و هشت سالگی به پایان آمد. بدون تردید نمی‌توان راسل را هم‌تراز با فیلسوفان تربیتی همچون روسو، کانت، هربارت و دیویی قرار داد. لیک، آراء و نظریه‌های تربیتی او و اثربخشی اندیشه‌هایش را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت. نیازی به بیان این مطلب نیست که

-
1. Bertrand Russell
 2. Wales
 3. University of Cambridge

۹۲ ❖ دومینو: برگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت

راسل دغدغه تعلیم و تربیت را داشته و نگارش دو کتاب «درباره تربیت»^۱ و «تعلیم و تربیت و نظام اجتماعی»^۲ در کنار مقاله‌های متعدد گواه این مطلب است. اما در این باره که آیا می‌توان سخن از فلسفه تعلیم و تربیت راسل سخن به میان آورد چندان توافقی میان مفسرین آثار او و نظریه‌پردازان تربیتی وجود ندارد. کتاب‌های راسل درباره تعلیم و تربیت در سال‌های میانی جنگ جهانی اول و دوم نوشته شده که حاوی تفسیرهای اجتماعی و تربیتی قوی و خردمندانه‌ای است. تفسیرهای او فراهم آورنده الگویی منسجم برای تعلیم و تربیت است، اما از حیث فنی اصلاً جنبه فلسفی ندارد.

برگزیده افکار تربیتی راسل

- ❖ «عیب و هنر آدمی وابسته به تربیت، و از این‌رو تربیت کلید جهان نو است.»
- ❖ «عیب‌های آدمیان از تربیت بد برخاسته است.»
- ❖ «چگونگی جهانی که در آن زندگی می‌کنیم وابسته است به چگونگی ما و این نیز در گرو تربیت است.»
- ❖ «انسان به هنگام زادن نه خوب است و نه بد. تربیت و تأثیرهای گوناگون محیط است که به این مایه خام شکل می‌دهد.»
- ❖ «تربیت است که منش‌های نیک و بد و نیک‌بختی و بدبختی پدید می‌آورد.»
- ❖ «در کار تربیت، نخستین و بنیادی‌ترین پرسش این است: می‌خواهیم فرزندان ما چه منشی داشته باشند و در چه جامعه‌ای زندگی کنند؟»
- ❖ «تربیتی که بر آموختن بی‌چون و چرا تکیه کند نادرست است.»
- ❖ «کسی که در کودکی فرمان بردن را آموخته باشد، در بزرگسالی فرمان دادن را خواهد آموخت.»

1. On Education, Especially in Early Childhood
2. Education and the Social Order

نمایه نامها

- سقراط (Socrates) ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴
 فروبل، فردریش (F. Fröbel) ۱۴، ۷۳، ۷۸، ۷۴
 کانت، ایمانوئل (I. Kant) ۷، ۴۵، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۷۱، ۹۱
 کرشن اشتهائینر، جورج (G. Kerschensteiner) ۱۰۲
 کلاپارد، ادوارد (É. Claparède) ۱۰۳
 کمنیوس، ژان آموس (J. A. Comenius) ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۵
 لاک، جان (J. Locke) ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۳
 مارکس، کارل (K. Marx) ۱۰۴
 مونته‌سوری، ماریا (M. Montessori) ۸۶، ۸۷، ۹۰
 هالت، جان (J. Holt) ۱۰۵
 هربرت، یوهان فریدریش (J. F. Herbart) ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۹۱
 هوچینز، رابرت مینارد (R. M. Hutchins) ۱۰۵
- ارسطو (Aristotle) ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴
 افلاطون (Plato) ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰
 اوون، رابرت (R. Owen) ۹۹
 باتلر، جیمز دونالد (J. D. Butler) ۱۰۰
 بیکن، فرانسیس (F. Bacon) ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۸
 پارکر، فرانسیس (F. Parker) ۱۰۰
 پستالوزی، یوهان هاینریش (J. H. Pestalozzi) ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۳، ۷۴، ۷۸
 پیازه، ژان (J. Piaget) ۱۰۰
 دکارت، رنه (R. Descartes) ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۷، ۴۵
 دورکیم، امیل (É. Durkheim) ۱۴، ۱۰۲
 دیویی، جان (J. Dewey) ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۹۱
 راسل، برتراند (B. Russell) ۴۲، ۹۱، ۹۲، ۹۶، ۹۷
 روسو، ژان-ژاک (J-J Rousseau) ۴۴، ۴۵، ۵۳، ۶۱، ۷۸، ۹۱